با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

مدیران بعضی بانک‌ها از پرداخت وام‌های مشوق فرزندآوری طفره می‌روند

براساس ابلاغیه بانک مرکزی مشـــمول وام ۲۰۰ میلیونی ودیعه مسکن یا کمک هزینه خرید برای خانواده‌های ۳ فرزندی شده‌ام. برای دریافـــت وام چندین بار بـــه بانک‌های مســـکن، تجارت و کشاورزی در شهر هادیشـــهر مراجعه کرده‌ام و مدیران بانک‌ها از وجود چنین وامی اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند.

حمید اسماعیلی از هادیشهر

همسان‌سازی حقوق باعث تضییع حق برخی بازنشستگان می‌شود

بعد از پرداخت ۳۰سال حق بیمه کارگری با ۶۱سال سن با حقوق ۶میلیون و ۲۰۰هزار تومان بازنشسته شدم. یکی از دوستانم نیز با پرداخت ۱۷سال حق بیمه با رسیدن به سن ۶۰سالگی با حداقل حقوق بازنشسته می‌شـــود که بعد از همسان‌ســـازی معادل من حقوق می‌گیرد. به‌نظر مســـئولان آیا این عدالت است که حقوق من با ۳۰سال پرداخت معادل کسی باشد که ۱۷سال بیمه‌پردازی کرده است؟

پیرانی از تهران

ورودی نهاوند در شأن این شهر نیست

ورودی نهاوند درشأن این شهرســـتان نیست و جا دارد مسئولان شهرســـتان نمادهایی برای این شهر تاریخی و کهن تعریف کنند که در شأن آن باشد. مثلا می‌توانند با الهام از بخشی از سازه کهن قلعه‌ای که در دوره ناصری تخریب شد، بنایی را در یکی از ورودی‌ها تعریف کنند.

سلگی از نهاوند

گمرک چرمشهر چه زمانی بهره‌برداری می‌شود؟

مدت‌هاســـت صحبت از بهره‌برداری گمرک چرمشـــهر واقع در بویین‌زهرا می‌شـــود و ظاهرا هم پایانه گمرکی هم ساخته شده است. از آنجا که هزینه‌های ساخت پایانه گمرکی در این محل با همکاری واحدهای تولیدی مستقر در ناحیه چرمشهر تأمین شده است، بدیهی است که همگی پیگیر افتتاح گمرک هستند تا بتوانند بدون مراجعه به قزوین عملیات گمرکی را انجام داده و فراورده‌های تولیدی چرمسازی را به خارج شهر بفرستند.

زرگر از بویین‌زهرا

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

میز خدمت در همه ادارات و بانک‌ها دایر باشد

برای تســـریع در خدمت به ارباب‌رجوع و آرامش کارمندان بهتر است همه ادارات و بانک‌ها میز خدمت داشته باشند تا مراجعان کمتر در نوبت مانده و بدون اطلاع در نوبـــت ارائه خدمتی باقی نمانند. کافیست فردی باشـــد که به امور آن سازمان و اداره آگاه باشد تا بتواند مراجعان را برای دسترسی سریع‌تر به خدمت مورد نیاز راهنمایی کند.

میهن‌دوست از یافت‌آباد تهران

عابربانک‌های کمالشهر اغلب پول نقد ندارند

تعداد بانک‌های کمالشهر کرج کافی نیست که بماند، همین تعداد ناکافی هم اغلب ساعات فعال روز هیچ پولی ندارند و گاهی برخی عابربانک‌ها چند روز پشت سر هم هیچ پولی ندارند. آیا نباید برای جمعیت ۲۰۰هزار نفری این شهر فکری کرد؟

عبدی از کمالشهر کرج

پله برقی ایستگاه شهید بهشتی چه زمانی درست می‌شود؟

پله برقی ایستگاه شهید بهشتی در خط ۳متروی تهران بیش از یک ماه است که خراب شده است و مسافران مجبورند پله‌های پرشمار این ایستگاه را طی کنند که هم باعث ترافیک جمعیت در زمان تخلیه مسافر اســـت و هم برای افراد مسن، بیمار، زنان باردار و کودکان بسیار سخت است. لطفا فکری برای تعمیر این پله برقی بکنند.

سعیدی از تهران

سیستان و بلوچستان منطقه آزاد تجاری شود

ضمن تشکر از تلاش‌های مســـئولان جهت محرومیت‌زدایی از مناطق کمتر برخوردار، در راستای تسریع در نیل به اهداف دولت در تحقق عدالت اجتماعی و آبادانی مناطق کمتر برخوردار، ایجاد اشـــتغال برای بومی‌ها و نیز اشـــتغال برای کل کشور، پیشنهاد می‌شود کل استان سیستان و بلوچســـتان به‌عنوان منطقه آزاد تجاری تعیین شود.

میرشکاری از زاهدان

۸ تبهکار که در تازه‌ترین عملیات پلیس آگاهی پایتخت دستگیر شده‌اند، از جرایم‌شان می‌گویند

روایت عجیب کلاهبرداری که می‌گوید نخبه است

۸مرد تبهکار که در جریان پرونده‌های متفاوت دست به ســـرقت و کلاهبرداری می‌زدند از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت دستگیر شدند. در میان متهمان دستگیر شده، راننده پرایدی که با سوار کردن زنان مسافر دست به سرقت از آنها می‌زد، مردی که به راحتی توانسته بود از هزار نفر کلاهبرداری کند، ۲مرد تحصیلکرده که در پوشش شرکت لیزینگی دست به کلاهبرداری ۷۰میلیاردی زده بودند و ۲نفر که دریچه‌های آب را از خیابان‌ها سرقت می‌کردند به چشم می‌خورند. متهمان دستگیر شده در گفت‌وگو با خبرنگار همشهری روایت‌های متفاوتی از جرایمی که رقم می‌زدند را تعریف می‌کنند.

گفت‌وگو ۱

کلاهبردار یا نخبه؟

نیما متولد سال ۶۴اســـت و سابقه سرقت، کلاهبرداری و آدم ربایی در پرونده‌اش دارد. می‌گوید یک‌بار توانسته از دست مأمور بدرقه زندان فرار کند اما در نهایت دستگیر شده است. او خودش را خلاق و نخبه می‌داند و می‌گوید علاقه زیادی به مطالعه کتاب‌های مختلف دارد و اطلاعات عمومی‌اش بالاست اما به جای درست زندگی کردن سر از دنیای تبهکاران در آورده است.

به چه جرمی دستگیر شده‌ای؟

کلاهبرداری از بیش از هزار نفر.

با چه شگردی؟

نقشه جالبی کشیده بودم. ببینید ابتدا یک شرکت خصوصی یا ارگانی خاص و یا نهاد دولتی را شناسایی می‌کردم. می‌رفتم تحقیق می‌کردم و نام تمام کارکنانش را به‌دست می‌آوردم. مرحله بعد این بود که باید صـــدای مدیر مجموعه را می‌شـــنیدم. من تبحر خاصی در تقلید صدا دارم و بعد از اینکه مدیر را شناسایی می‌کردم و صدایش را می‌شنیدم، سراغ مرحله بعد می‌رفتم. یک روز که مدیر سرکارش نبود به مدیر مالی زنگ می‌زدم. با تقلید صدای مدیر مجموعه خودم را جای او جا زده و می‌گفتم مثلا برادرزنم تصادف کرده است و نیاز به پول دارم اما به‌دلیل ناآرامی‌های اخیر و اختلال در سیستم شتاب نمی‌توانم پول جابه‌جا کنم. از مدیر مالی می‌خواستم که مقداری پول به حسابی واریز کند و او هم فورا پول را واریز می‌کرد. گاهی ۲برابر پولی که من درخواست می‌کردم به‌حساب واریز می‌کرد، برای خودشیرینی!

چطور به این راحتی به تو اعتماد می‌کردند؟

شما همین الان موبایلت را به من بده و بشین تماشا کن که چطور با یک تماس ۱۵میلیون تومان پول به جیب می‌زنم! من یک نخبه‌ام! استعدادی دارم که در وجود همه نیست. خیلی خوب می‌توانم افراد را متقاعد کنم. اما مهم‌تر از همه تبحرم در تقلید صدا بود. به جز تهران، در شهرستان‌ها هم گاهی با همین نقشه کلاهبرداری می‌کردم.

شده بود که نقشه‌هایت عملی نشود و کسی پول به حسابت نریزد؟

شاید هزار بار پیش آمد که طرف فریبم را نخورد و پول نریخت اما از آن طرف بیش از هزار نفر پول واریز کردند.

چند وقت است که با این شگرد کلاهبرداری می‌کنی؟

یک سال و نیم، حدود ۲سال. شاید در این مدت حدود ۸میلیارد تومانی گیرم آمد.

با پول سرقتی چه کردی؟

خرج تفریح، سفر و خوشگذرانی می‌شد.

۸میلیارد تومان برای خوشگذرانی؟

در کل آدم خوشگذرانی هستم و در لحظه زندگی می‌کنم به جای اینکه بخواهـــم پس‌انداز کنم و در آینده زندگی کنم.

این ایده چطور به ذهنت رسید؟

در زندان فکر کردم و این ایده به ذهنم رسید. گفتم که، من نابغه و نخبه هستم. فکرم خیلی خوب کار می‌کند. همه می‌گویند تو خیلی باهوشی. از بچگی می‌گفتند تو با این هوش و ذکاوتی که داری در آینده کاره‌ای می‌شوی، خودم دوست داشـــتم خلبان بشوم اما خب دزد شدم.

چرا با این هوشـــت کار مثبت انجام نمی‌دهی به جای دزدی؟

نشد دیگر. روزگار مرا تبدیل به دزد کرد.

چند بار زندان رفته‌ای؟

۲مرتبه. یک‌بار بـــه جرم ســـرقت و بار دیگر آدم‌ربایی. وقتی به جرم سرقت زندانی شدم، به دوســـتم زنگ زدم تا مرا فراری بدهد. روزی که می‌خواستند مرا به دادگاه ببرند، با کمک دوستم مأمور بدرقه را ربودیم و توانستم فرار کنم اما مدتی بعد دستگیر شدم که اتهام ربودن مأمور هم در پرونده‌ام ثبت شد.

گفت‌وگو ۲

در کمین زنان

در اداره آگاهی تهران چند زن به چشـــم می‌خورند که آمده‌اند تا سارقی را که به‌عنوان مسافرکش از آنها سرقت کرده بود شناسایی کنند. متهم، جوانی کم‌سن و سال و لاغراندام است که کلاه به سر دارد و زمان زیادی از دستگیری‌اش نمی‌گذرد. به محض اینکه وارد سالن اداره آگاهی می‌شود، شاکیان او را شناسایی می‌کنند؛ به سمتش می‌روند و با فریاد می‌گویند که این مرد آنها را تهدید به مرگ کرده بود. یکی از شاکیان دکتر داروساز است. می‌گوید: متهمان ۲نفر بودند و ظاهرا یکی‌شان هنوز فراری است. او درباره روزی که در دام متهم و همدستش افتاد می‌گوید: یکی از روزهای مهرماه بود که از شرکت داروسازی بیرون آمدم تا به خانه بروم. هوا تاریک شده بود و چون اینترنتم دچار اختلال شده بود نتوانستم تاکسی اینترنتی بگیرم و آن شب سوار بر یک خودروی پراید نقره‌ای رنگ شدم که گمان می‌کردم مسافربر شـــخصی است. به جز راننده، پسری جوان در صندلی عقب نشسته بود که تصور کردم مسافر است. روی صندلی شاگرد هم وسیله‌ای قرار داشت و راننده از من خواست در صندلی عقب بنشینم. هنوز مسافتی طی نشده بود که ناگهان مردی که کنارم نشسته بود و من فکر می‌کردم مسافر است دستش را روی گردنم قرار داد و سرم را زیر صندلی برد. فریاد کشیدم اما او چندبار به سرم کوبید و با چاقو تهدیدم کرد و گوشی موبایل، کارت‌های عابربانکم و رمزشان را از من گرفت. آنها دستگیره در ماشین را باز کرده بودند و من راهی برای فرار نداشتم. در طول مسیر آنقدر التماس‌شان کردم که در نهایت مرا در اتوبان یاسینی به بیرون از ماشین پرتاب کردند. آنها حدود ۱۵۰میلیون تومان پول از حسابم سرقت کردند و بعد از این اتفاق مدتی تحت درمان بودم. اظهارات بقیه شاکیان نیز مشابه اظهارات خانم دکتر است. حالا دزد پرایدسوار که ۲۷ساله است از جزئیات سرقت‌هایش می‌گوید.

چرا سرقت می‌کردی؟

بنویسید به‌خاطر حماقت. چون واقعا حماقت کردم. من مشکل مالی نداشتم و نمی‌دانم چه شد که وارد این بازی شدم. انگار دلم می‌خواست هیجان را تجربه کنم اما هیجان اشتباه!

شغلت چیست؟

آشپز یک هلدینگ هستم و درآمدم خوب بود. چند وقت قبل پسری جوان همکارم شد و او وسوسه سرقت را به جانم انداخت. می‌گفت بیا در زندگی ریسک کنیم و به پول برسیم. آنقدر گفت که قبول کردم.

چرا فقط از زنان سرقت می‌کردید؟

همدستم نظرش این بود که فقط از زنان سرقت کنیم. شاید به‌خاطر اینکه ضعیف بودند. اما انگیزه من تجربه هیجان بود.

تو به زنان آســـیب زدی، آنها را تهدید بـــه قتل کردی، کتکشان زدی و حالا می‌گویی می‌خواستی هیجان را تجربه کنی؟

متهم سکوت می‌کند و بعد می‌گوید: حماقت کردم!

طعمه‌هایتان را چطور انتخاب می‌کردید؟

بیشتر آنها را همدستم شناسایی می‌کرد. اما معمولا افرادی بودند که لباس گران‌قیمت یا گوشی مدل بالا داشتند.

با اموال سرقتی چه می‌کردید؟

با کارت‌های عابربانک طلا و دلار می‌خریدیم، گوشـــی‌ها را هم همدستم می‌فروخت. پولش هم خرج تفریح و خوشگذرانی می‌شد.

چه زمان‌هایی راهی سرقت می‌شدید؟

وقتی هوا رو به تاریکی می‌رفت. ببینید گاهی می‌شد تا ۱۰شب سمت سرقت نمی‌رفتیم، گاهی هم هر شب می‌رفتیم به جز آخر هفته‌ها. چون زنان شاغل آخر هفته‌ها تعطیل بودند.

گفت‌وگو ۳

سرقت به‌خاطر رفاقت

ماموران پلیس آگاهی پایتخت به دســـتور سرهنگ علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران از چنـــد روز قبل تحقیقات برای دستگیری سارقان دریچه‌های فلزی داخل تونل نیایش را آغاز کردند. پرونده‌ای که با شکایت نماینده حقوقی شهرداری شکل گرفت و کارآگاهان در جریان تحقیقات تخصصی موفق شدند ۲متهم را در این پرونده دستگیر کنند. گفت‌وگو با یکی از آنها را بخوانید.

انگیزه‌ات از سرقت چه بود؟

به خاطر رفاقت وارد این کار شدم. خودم مشکلی نداشتم. دوستم اما ۳قلو داشت که یکی از آنها معلول بود و برای درمانش نیاز به پول داشت. او پیشنهاد دزدی داد و من هم به‌خاطر دوستی حاضر شدم با او همکاری کنم.

ایده این سرقت‌ها از تو بود؟

نه. دوستم یک‌بار که از تونل نیایش عبور می‌کرد دیده بود که چند نفری در حال سرقت هستند و او هم تصمیم گرفت با این شیوه دست به سرقت بزند. می‌گفت فقط تونل نیایش از این تجهیزات فلزی دارد و ما هم به آنجا رفتیم.

از این سرقت‌ها چقدر گیرتان آمد؟

هر دفعه ۶۰کیلو آهن ســـرقت می‌کردیم و بســـتگی به قیمت آهن داشت که چقدر می‌فروختیم. معمولا ضایعاتی‌ها از ما می‌خریدند.

نمی‌ترسیدید در حال سرقت دستگیر شوید؟

خیلی سریع کار را انجام می‌دادیم. طوری که کسی متوجه نشود.

چطور دستگیر شدید؟

آن شب پلاک ماشین را مخدوش کردیم و رفتیم سرقت اما هنگام خروج از تونل پلیس کمین کرده بود و دستگیر شدیم.

گفت‌وگو ۴

کلاهبرداری ۷۰میلیارد تومانی

۳مرد و یک زن اعضای باندی بودند که در پوشـــش شرکت لیزینگی و فروش اقســـاطی خودرو دست به کلاهبرداری ۷۰میلیارد تومانی زده‌اند. ۲نفر از آنها دیروز به اداره آگاهی تهران منتقل شدند و جزئیات کلاهبرداری را فاش کردند. یکی از آنها که لیسانس حقوق دارد و دلش می‌خواسته روزی پلیس شود، به شهروندان توصیه می‌کند که گول شرکت‌های لیزینگی که وعده فروش قسطی ماشین را می‌دهند نخورند چون خیلی از این شرکت‌ها فقط قصد کلاهبرداری دارند.

با چه شگردی دست به کلاهبرداری می‌زدید؟

ما کارمندان شرکت بودیم، مدیر شرکت کلاهبردار اصلی بود. ما در فضای مجازی آگهی فروش خودروی قسطی منتشر می‌کردیم. خریداران با ما تماس می‌گرفتند و ما آنها را به شرکت معرفی می‌کردیم. افرادی که معرفی می‌شدند خبر نداشتند که شرکت دامی برایشان پهن کرده است. از طرفی شرکت تجهیزات فراوان و نیروی زیاد داشت. از کارمندان مالی و حسابدار گرفته تا کارمند فروش و.. خلاصه یک شرکت واقعی به‌نظر می‌رسید تا افراد به راحتی پولشان را در اختیار مدیر قرار بدهند. بعد که مشتریان ثبت‌نام می‌کردند و پولی که داده بودند زیاد می‌شد، فرار می‌کردیم.

مالباخته‌ها چقدر پول پرداخت می‌کردند؟

مثلا فرض کنید شـــما می‌خواهید یک پژو بخریـــد که مثلا قیمتش ۳۰۰میلیون تومان است. ۱۰۰تومان شرکت نقدی می‌گرفت و مابقی را به‌صورت چک و اقساطی. تحویل را هم می‌گذاشت برای یک ماه بعد. بعد از یک ماه یا شرکت را تعطیل می‌کرد یا می‌گفت به‌دلیل نوسان در بازار تحویل دیرتر است و در این فرصت پول‌ها را از افراد دیگر می‌گرفت و بعد شرکت را تعطیل و همه فرار می‌کردند.

چه شد که وارد این کار شدی؟

چند وقتی بود که در جســـت‌وجوی یک کار مناسب بودم که آگهی استخدام در شرکت لیزینگی را دیدم و جذب آنجا شدم. البته آرزویم این بود که پلیس شوم، لیسانس حقوق دارم و همدستم نیز لیسانس روانشناسی دارد. او می‌خواست دکتر روانشناس شود اما حالا اینجاییم، به جرم کلاهبرداری.

چرا وقتی فهمیدید ماجرا کلاهبرداری است، استعفا ندادید؟

چون به پول نیاز داشتیم.

مسمومیت ۴۸نفر با مشروبات الکلی مسموم

مصرف مشروبات الکلی مسموم در یاسوج ۴۶نفر را تا یک قدمی مرگ برد و جان ۲نفر را نیز گرفت.

به گزارش همشـــهری، از روز پنجشـــنبه سوم آذرماه ۱۴۰۱ تا روز گذشته (سه‌شنبه) ۴۸ زن و مرد که بر اثر مصرف مشروبات الکلی دچار مسمومیت شده بودند به بیمارستان امام سجاد(ع) یاسوج منتقل شدند و علاوه بر آنها نیز ۲نفر بر اثر شدت مسمومیت جان خود را از دست دادند. دکتر محمد طهماسبی، رئیس بیمارستان امام ســـجاد یاســـوج در این‌باره گفت: متأسفانه این آمار همچنـــان در حال افزایش اســـت و تاکنون افراد مسموم‌شده، ۶نفر زن و ۴۲نفر مرد هستند که تا ساعت ۸صبح سه‌شنبه ۴۴نفر آنها دیالیز شدند. او ادامه داد: از مجموع افراد مراجعه‌کننده که اغلب با اختلالات بینایی از جمله تاری دید روبه‌رو شده بودند، یک نفر فوت شده و یک نفر نیز به‌دلیل خونریزی شدید دچار مرگ مغزی شد. همچنین ۳نفر نیز در بخش مراقبت‌های ویژه تحت درمان هستند که رده سنی آنها بین ۱۶ تا ۳۶سال است.

او درباره علت مســـمومیت این افراد نیز گفت: ممکن است منبع تامین این نوشیدنی‌ها برای ۴۸ نفر یک یا ۲ مکان باشد اما این مسمومیت در یک محل با برنامه نبوده است. با این حال همه امکانات بیمارستان را برای نجات و ارائه خدمات به این بیماران بســـیج کرده‌ایم و کادر درمان و پزشـــکان برای بهبود این بیماران تلاش می‌کنند.

دومین قتل در پرونده قاتل طلافروش همدانی

بازجویی‌ها از قاتلی که پس از قتل طلافروشـــی در همدان به بندرعباس گریخته بود نشان می‌دهد که او در راه فرار در حاجی‌آباد نیز دست به جنایت دیگری زده است.

به گزارش همشهری، روز اول آذرماه امسال سارقی مسلح با ورود به طلافروشی در بازار مظفریه همدان، صاحب طلافروشی را با شلیک ۲گلوله به قتل رساند و با سرقت مقداری طلا از آنجا گریخت. دقایقی از این جنایت می‌گذشت که با حضور مأموران پلیس تحقیقات در این‌باره آغاز شد. شواهد به‌دست آمده از صحنه جنایت نشان می‌داد که قتل صاحب طلافروشی با انگیزه سرقت اتفاق افتاده است. با وجود این تحقیقات در این‌باره ادامه پیدا کرد.

چند روز بعد کارآگاهان جنایی به اطلاعاتی دســـت پیدا کردند که نشان می‌داد قاتل فراری پس از ارتکاب قتل از همدان به بندرعباس گریخته اســـت. در این شرایط گروهی از مأموران راهی استان هرمزگان شدند و درحالی که ۵روز از قتل طلافروش همدانی می‌گذشت قاتل را در بندرعباس دستگیر کردند.

ماموران در جریان بازرسی از مخفیگاه متهم یک قبضه کلت کمری، ۲ فشنگ جنگی و ۲۸۵گرم طلای سرقتی کشف کردند.

سردار غلامرضا جعفری، فرمانده انتظامی اســـتان هرمزگان در این‌باره گفت: با تلاش همه جانبه کارآگاهان پلیس آگاهی و با حضور نماینده واجا، شامگاه یکشنبه ششم آذرماه متهم در مخفیگاهش واقع در یکی از محلات بندرعباس دستگیر شد. او در بازجویی‌های فنی به یک فقره سرقت مسلحانه طلافروشی و قتل صاحب مغازه در شهرستان همدان و در کمال ناباوری به یک قتل دیگر در شهرستان حاجی آباد در مسیر فرار اعتراف کرد.

فرمانده انتظامی استان هرمزگان ادامه داد: به‌دنبال اعترافات متهم کارآگاهان پلیس آگاهی برای بررسی صحت و سقم قتل دوم راهی شهرســـتان حاجی آباد شدند و با راهنمایی متهم جسد مقتول را که جوانی ۲۰ساله بود در باغات روستای درورودی کشف کردند. قاتل انگیزه‌اش از ارتکاب قتل دوم را درگیری با مقتول برای تصاحب طلاهای مسروقه اعلام کرد.

براساس این گزارش هم‌اکنون متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

کوتاه از حادثه

محاکمه عامل شهادت ۲بسیجی

پسر جوانی که در جریان جنایتی هولناک ۲جوان بسیجی را در مشهد با ضربات چاقو به شهادت رسانده و ۴نفر دیگر را مجروح کرده اســـت به اتهام محاربه در دادگاه انقلاب اســـلامی مشهد محاکمه شد.

به گزارش همشـــهری، به نقل از مرکز رسانه قوه قضاییه، متهم که مجید نام دارد روز پنجشـــنبه ۲۶ آبان ماه امسال در خیابان حرعاملی مشهد با چاقو به ۲بسیجی به نام‌های دانیال رضازاده و حسین زینال‌زاده حمله کرد و آنها را به شهادت رساند. او سپس ۴ نفر دیگر را نیز مجروح کرد و از محل حادثه گریخت. ۲روز از این جنایت گذشته و تحقیقات گسترده‌ای برای دستگیری قاتل آغاز شده بود که او همراه ۳نفر از اتباع خارجی در استان سمنان دستگیر و به مشهد منتقل شد. وقتی متهم تحت بازجویی قرار گرفت به قتل ۲جوان بسیجی اعتراف کرد و در این شرایط بود که پرونده اتهامی او با صدور کیفرخواست به اتهام محاربه به دادگاه انقلاب ارسال شد. در جلسه محاکمه که صبح دیروز در جلسه رســـیدگی به این پرونده که در دادگاه انقلاب اسلامی مشهد به ریاست قاضی سیدهادی منصوری برگزار شد، ابتدا قاضی قناد به‌عنوان نماینده دادســـتان به دفاع از کیفرخواست پرداخت و گفت: وضعیت سلامت روحی متهم از سوی پزشکی قانونی تأیید شده و او به قصد جان مأموران حافظ امنیت، ۲ تن از بسیجیان را شهید و ۴ نفر دیگر را مجروح و در همه مراحل تحقیقات به جرم خود اعتراف کرده است. نماینده دادستان در ادامه فیلم کوتاهی حاوی حمله به کلانتری، آتش زدن مأمور نیروی انتظامی، تعرض به شهروندان، ایجاد راهبندان، پرتاب مواد آتش‌زا از جمله کوکتل مولوتف، آتش زدن وســـایل نقلیه خصوصی و دولتی و تصاویر لحظه حمله متهم به ۶ نفر از جمله شهید دانیال رضازاده و شهید حسین زینال‌زاده را پخش کرد.

در ادامه این جلسه تعدادی از شاکیان در جایگاه قرار گرفتند و شکایت‌شان را مطرح کردند. یکی از مجروحان حادثه گفت: من برای کمک به این شهیدان به صحنه نزدیک شدم که توسط متهم مورد حمله قرار گرفته و زخمی شدم. مادر یکی از شهدا نیز گفت: من همین یک پسر را داشتم و او تمام امید من بود. اما اگر فرزند دیگری نیز می‌داشتم در راه خدا و مردم عزیز اهدا می‌کردم و امروز تمام این بچه‌ها مانند فرزندان من هستند.

در ادامه این جلسه به دستور رئیس دادگاه یکی از شاهدان به بیان جزئیات روز حادثه پرداخت و گفـــت: در روز حادثه پس از آنکه متهم، ۲تن از دوســـتانمان را به شهادت رساند؛ در حال فرار نیز هر فرد دیگری را که سر راهش قرار داشت با چاقو می‌زد و سپس متواری شد در حالی که مردم همه دچار وحشت شده و ترسیده بودند و مغازه‌دارها از ترس و وحشت به‌وجود آمده توسط متهم، فروشگاه‌های خود را تعطیل کردند.

پس از اظهارات چند نفر از شاهدان، متهم در جایگاه ایستاد و به دفاع از خودش پرداخت. او گفت: اتهاماتم را قبول دارم. راهم را اشتباه رفتم، قبول دارم اشتباه کردم و حس نفرت عمومی از این کارم را درک می‌کنم. فکرم و باورهایم غلط بود. تصور می‌کردم این افراد دشمن‌من هستند، چاقو را در دست خود پنهان کرده بودم و نفهمیدم چه اتفاقی افتـــاد و الان منتظرم هر چه زودتر مجازات شوم. متهم ادامه داد: تحت‌تأثیر فضای مجازی بودم. از نظر روحی سلامت هستم و پیچ‌هایی که اخبار نادرست منتشر می‌کردند را دنبال می‌کردم. الان به این نتیجه رسیدم این افرادی که اغتشاش می‌کنند در اشتباه هســـتند. در ادامه این جلسه وکیل مدافع متهم به دفاع از او پرداخت و در نهایت متهم برای اخذ آخرین دفاع بار دیگر در جایگاه ایستاد. او گفت: اتهامات خود را قبول دارم و از خانواده شهدا می‌خواهم حلالم کنند. براساس این گزارش با پایان این جلسه قضات دادگاه وارد شور شدند و قرار است به‌زودی رأی این پرونده صادر شود.

قاتل مرد بی‌گناه، دستگیر شد

جوان ۲۸ســـاله‌ای کـــه در جریان انتقام‌جویی شـــخصی، مرد بی‌گناهی را به قتل رسانده بود به دام پلیس افتاد.

به گزارش همشهری، شامگاه دوم مهر امسال صدای شلیک گلوله مردم یکی از روستاهای شهرستان زرین‌دشت در استان فارس را به وحشت انداخت. ماجرا از این قرار بود که جوان مسلحی که از مدتی قبل با یکی از روستاییان دچار اختلافات شخصی شده بود، برای ترساندن و زهرچشم گرفتن او، با یک قبضه اسلحه به محل زندگی این مرد رفت و اقدام به تیراندازی بی‌هدف به سمت خانه او کرد اما درست در همان لحظه، مرد ۴۹ساله‌ای در حال عبور از کوچه بود که یکی از گلوله‌هـــا به وی اصابت و او را نقش بر زمین کرد.

جوان مسلح پس از تیراندازی پا به فرار گذاشت و ساکنان محل با دیدن پیکر خونین مرد رهگذر که روی زمین افتاده بود، پلیس و اورژانس را خبر کردند. مأموران اورژانس وقتی به محل حادثه رسیدند که دیر شـــده و مرد رهگذر بر اثر شدت جراحات وارده جانش را از دســـت داده بود. با حضور پلیس در محل، تحقیقات درباره این پرونده آغاز و با تحقیق از فردی که خانه‌اش به گلوله بسته شده بود، هویت جوان تیرانداز شناســـایی شد. او مردی ۲۸ساله بود که پس از این حادثه محل زندگی‌اش را ترک کرده و به مکان نامعلومی گریخته بـــود. از همان زمان نام این مرد در فهرســـت مجرمان تحت تعقیب قرار گرفت و جست‌وجو برای دستگیری او ادامه داشت تا اینکه پس از گذشت ۲ماه از حادثه، مخفیگاه وی در یکی از روستاهای اطراف زرین‌دشت شناسایی و او در یک عملیات ضربتی دســـتگیر شد. سرهنگ حمیدرضا صالحی‌فرد، فرمانده انتظامی زرین‌دشت با بیان این خبر گفت: با دستگیری عامل جنایت معلوم شـــد که او به‌دلیل اختلافات شخصی با یکی از اهالی روستا، اقدام به تیراندازی به سمت منزل وی کرده بود که متأسفانه تیر به فردی ناشناس که از کوچه عبور می‌کرد اصابت کرده و موجب قتل وی شـــده بود. در بازرســـی مخفیگاه متهم یک قبضه اسلحه شکاری فاقد مجوز کشف شد و پرونده او در اختیار مرجع قضایی قرار گرفت.

تسلیت

انا للّه و انا الیه راجعون

با نهایت تاســـف و تاثر درگذشـــت زنده یاد آقای مهندس **محمد ناظم‌زاده نراقی** عضو هیئت مدیره شرکت مهندسی پارس‌کنسولت را به اطلاع کلیه وابستگان، همکاران و دوســـتان می‌رســـاند. به همین مناسبت مراســـم ترحیم آن مرحوم روز جمعه مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۱ در مسجد جامع شهرک غرب واقع در میدان صنعت ساعت ۱۴ تا ۱۵:۳۰ برگزار خواهد شـــد. حضور شما سروران گرامی موجب تسلی خاطر بازماندگان و شادی روح آن مرحوم خواهد شد.

شرکت مهندسی پارس کنسولت

یادبود

زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست
هرکسی نغمه ی خود خواند و از صحنه رود
صحنه پیوسته بجاست
خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد

یکسال پیش مادر و همسری مهربان در اوج بالندگی و در کمال ناباوری آشیانه گرم خانواده خود را به اذن الهی ترک نمود و تا آسمان قرب الهی پرکشید. ضمن گرامیداشت همه خاطرات و خوبی‌های

خانم دکتر مهوش نعیمی برغانی

عضوی برجسته از جامعه پزشکی کشور، به اطلاع می‌رساند جهت رعایت پروتکل های بهداشتی، هزینه مراسم اولین سالگرد صرف امور خیریه می‌شود.

از طرف خانواده‌های رحیمی مراد، نعیمی برغانی و کلیه بستگان و همکاران

مناقصه عمومی دومرحله‌ای
شماره ۱۴۰۱/۳۱
سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران
tmicto.tehran.ir

سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران

در نظر دارد نسبت به **خرید Tape Drive** از طریق مناقصه عمومی اقدام کند. جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه می‌توانید به نشانی الکترونیکی **https://business.tehran.ir** مراجعه نمایید.

مناقصه عمومی دومرحله‌ای
شماره ۱۴۰۱/۳۶
سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران
tmicto.tehran.ir

سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران

در نظر دارد نسبت به **خرید دستگاه حضور و غیاب تشخیص چهره** از طریق مناقصه عمومی اقدام کند. جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه می‌توانید به نشانی الکترونیکی **https://business.tehran.ir** مراجعه نمایید.